

شنیدستم که شهبازی گهنسال

کبوتر بچه‌ای را کرد دنبال

گهنسال: پیر و سالخورده

شنیدستم: شنیده‌ام

شهباز نوعی پرنده شکاری ،
سفید رنگ با پنجه و منقاری قوی

معنی بیت:

شنیده‌ام که روزی یک باز پیر، جوجه کبوتری را دنبال کرد.

ز بیم جان، کبوتر کرد پرواز
به هر سو تاخت، تازان از پی آتش باز

تازان: حمله کرد، هجوم آورد

بیم: ترس

تازان: با سرعت و پرشتاب

معنی بیت:

کبوتر از ترس از دست دادن جانش، پرواز کرد و به هر سو
هجوم می برد و باز با سرعت به دنبالش می رفت.





به دشت و کوه و صحرا بود یران
ز چنگ باز شاید در برّد جان

یران: در حال پریدن، در حال پرواز

معنی بیت:

پرواز کنان در دشت و کوه و صحرا می رفت
تا شاید از چنگ باز خلاص شود.

اجل را دید و سُست از زندگی دست
درختی در نظر بگرفت و بنشست

اجل: پایان زندگی، زمان مرگ

معنی بیت:

در حالی که مرگ را جلوی چشمش می‌دید و از زندگی‌اش
نا امید شده بود، درختی را در نظر گرفت و بر آن نشست.



نظر کرد آن نگون اقبال بر زیر

که صیادی کمان بر کف به زه تیر

صیاد: شکارچی

نگون اقبال: بدبخت، تیره بخت

زه: چله‌ی کمان

کمان: ابزار تیر اندازی

بر کف: بردست

نظر کرد: نگاه کرد

معنی بیت:

آن کبوتر بیچاره به پایین نگاه کرد و دید صیادی کمان به دست
با تیری در کمان برای شکار او آن جاست.



به زیر پای، صیّاد و به سر، باز
نه بنشستن صلاح است و نه پرواز

صلاح: شایسته، مصلحت

معنی بیت:

صیاد پایین پای اوست و باز بالای سر او،
نه نشستن درست است و نه پرواز کردن.



به کلی رشته‌ی امید بگسست

در آن دم دل به امید خدا بست

دم: لحظه، زمان کوتاه

بگسست: پاره شد

معنی بیت:

کاملاً ناامید شد و در همان لحظه فقط به خدا دل بست و به او
توکل کرد.



چو امیدش به حق بود آن کبوتر
نجات از مرگش دادش حی داور

حی داور: خداوند بلند مرتبه

معنی بیت:

چون کبوتر امیدش به خدا بود و به او توکل کرده بود،
خداوند زنده‌ی عادل، او را از مرگ نجات داد.



بزد ماری به شست پای صیّاد
قضا بر باز خورد آن تیر و افتاد

قضا: تقدیر، سرنوشت

معنی بیت:

ماری شست پای صیاد را نیش زد و ناگهان تیر او، به باز خورد
و او را انداخت.



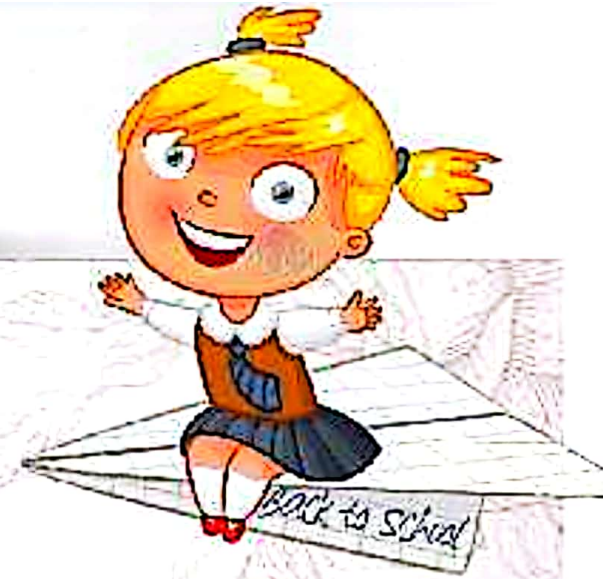
به خاک افتاد هم صیّاد و هم باز

کبوتر شاد و خندان کرد پرواز

معنی بیت:

صیاد و باز هر دو بر زمین افتادند و کبوتر شاد و خوشحال
و خندان پرواز کرد





بناه خدای بزرگ شاد و تندرست باشید

